

اول نادیده ات می گیرند، بعد مسخره ات می کنند، سپس با تو مبارزه می کنند، اما در نهایت پیروزی با توست. "ماهاتما گاندی"

نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم



iran.sabz88@yahoo.com

موسسین: خانه فیلم مخملباف - محسن سازگارا - نوشابه امیری - علیرضا نوری زاده - هوشنگ اسدی - فرهنگسرای پویا

مدیر اجرایی: شهلا بهار دوست

روزنامه سبز

نگاه سبز

حافظ موسوی

برای خواهرکم «ندا»

شماره ششم، دوازدهم تیرماه، هزار و سیصد و هشتاد و هشت

پزشک معالج علام کرد

جان سعید حجاریان در

خطر است

امروز: اجتماع بزرگ ایرانیان در برابر پارلمان اروپا

دولت کودتا، غیر قانونی است

من اگر بنشینم، تو اگر بنشینی، چه کسی برخیزد



صدا به صدا نمی‌رسد
چشم، چشم را نمی‌بیند
بیا به خانه برگردیم خواهرکم
ما به اندازه کافی بهانه برای گریستن داریم
بیا به خانه برگردیم
مگر نمی‌بینی
اینجا نه پرندهای آواز می‌خواند
نه کودکی لیخند می‌زند
و از دهان بهت‌زده کوچک‌ها و خیابان‌ها
آتش و دود برمی‌خیزد
بیا به خانه برگردیم
این‌ها بی‌رحم اند
گلوله‌هاشان مشقی نیست
چشم‌های معصوم تو، خواهرکم
طیقت این همه گاز اشک‌آور و دشنام و دود را ندارد
بیا به خانه برگردیم خواهرکم
این خیابان‌ها
پیش از این بارها به خون کشیده‌اند
اینجا امیرآباد است
آن بالا، مدال تقلبی برای سرداران
تقلبی تولید می‌کنند
و کمی پایین‌تر
خوابگاهی است که ای بسا شب‌ها
یک ذره خواب به چشمش نیامده است
بیا به خانه برگردیم

ایرانیان سراسر اروپا امروز در برابر پارلمان اروپا گرد می‌آیند تا یک صدا فریاد کنند: دولت کودتا غیر قانونی است.
این اجتماع که بدعوت ایرانیان ساکن بلژیک انجام می‌شود، ساعت ۴ بعد از ظهر بوقت اروپای مرکزی آغاز خواهد شد و از هریک از کشورهای اروپایی یک چهره سرشناس ایرانی سخن خواهد گفت.
در دعوت‌نامه این اجتماع آمده است: "ما از همه هموطنان عزیز دعوت می‌کنیم که در چارچوب خواسته‌ها و شعارهای مردم ایران در میتینگ اعتراضی که در برابر شورای اروپا برگزار می‌شود، شرکت کنند تا بلکه بتوانیم از طریق اتحاد و همبستگی میان خود فریاد بر حق و اعتراضی مردم کشورمان را به گوش جهانیان برسانیم. شرکت شما عزیزان در این گردهمایی سازماندهی شده و قانونی می‌تواند بارقه‌ای از

دکتر تقی اسدی - متخصص مغز و اعصاب - و یکی از پزشکان معالج سعید حجاریان اعلام کرد جان او در خطر است.
مسر سعید حجاریان بعد از ملاقات با او در مصاحبه‌ای اعلام کرد که همسرش در وضعیت بسیار بدی قرار دارد و تمام مدت ملاقات فقط می‌گریسته است. ماموران امنیتی از قول او این خبر را تکذیب کردند.
این جانب دکتر تقی اسدی (متخصص مغز و اعصاب) یکی از اعضای تیم پزشکی‌ای هستم که در عرض ده سال قبل با زحمت بسیار زیاد آقای دکتر سعید حجاریان را مورد درمان اختلالات ناشی از اصابت گلوله به سرشان قرار داده‌ایم. در نتیجه این سوء قصد ایشان دچار آسیب بخشهائی از مغز، و نخاع و هم چنین عروق مغز شدند. حاصل این آسیبها اختلال تکلمی، راه رفتن، و درد میباشد. با درمانهای دارویی متعدد، فیزیوتراپی، کار درمانی و گفتار درمانی ایشان را تا حدی تحت کنترل در آوردیم.
درمانهای ایشان دائمی، و بدون وقفه بوده و همچنان در حال انجام است.
هرگونه وقفه در هر یک از این جنبه‌ها می‌تواند موجب آسیب بلافاصله و یا

غیز قابل برگشتی برای ایشان بشود

امید را در دل هم میهنانمان در داخل کشور بتاباند. با شرکت وسیع در این تجمع اعتراضی می بایست اتحاد عمل میان خود را تقویت کنیم و به مردم کشورمان نشان دهیم که آنها در ایران تنها نیستند و ما همه با آنها هستیم. "

اینجا خوابگاه نیست
بیدارگاه جوان های ماست
اینجا آشنیانه کتابها و کاغذهایی است
که ای بسا شبها

چون پرندگانی سپید
در آتش و دود چرخ خورده اند
و با بالهای سوخته
بر نعشها و دست و پاهای شکسته
فروریخته اند

و ای بسا شبها
درها و پنجره هاشان
از زور درد و ضرب چکمه جهل
مانند موشک های کاغذی کودکانه ما
تا آن سوی خیابان، پرواز کرده اند
بیا به خانه برگردیم خواهی کرد
من، از لایه لای این همه شلوغی و
فریاد

صدای مادر را می شنوم
که چشم هایش را به کوچه دوخته است
و از تمام رهگذران
که شانه هاشان امروز، خمیدتر از
دیروز است
می پرسد:

«خانم! آقا! شما ندای مرا ندیده اید؟
نمی دانم کجاست، موبایلش چرا جواب
نمی دهد؟!»
نه! خواهرکم

حالا دیگر، راهی برای برگشتن نیست
باید به بیمارستان ها سرد خانه ها
زندان ها
باید بز زشکی قانونی برویم

باید تمام شبها را
دنبال ردپای تو
در کوچه ها و خیابان ها باشیم
فردا، تمام تلویزیون های دنیا
چهره خونینت را پخش می کنند
و صفحه های اول روزنامه ها، در
سراسر دنیا
زیر عکس تو خواهند نوشت:

اینجا تهران است، خیابان امیرآباد
و این «ندا»
ندای نوشکفته آزادی است
که از گلو خونین ملتی بزرگ
بر آمده است.

31/3/88

حمایت ۷۸ تن از استادان دانشگاه های جهان از تلاش دانشگاهیان ایران

۷۸ استاد معتبر دانشگاه های بزرگ
جهان با امضای نامه ای از تلاش
دانشگاهیان ایرانی برای رسیدن به
عدالت، برابری، آزادی بیان و
دمکراسی حمایت کردند.

متن نامه باین شرح است: " ما امضا
کنندگان این نامه بدینوسیله قویا هر
شکلی از خشونت و حمله به دانشگاه
های ایرانی را محکوم می کنیم. گذشته
از این، ما از تلاش مداوم دانشجویان،
اساتید و دانشگاهیان ایرانی برای
رسیدن به عدالت، برابری، آزادی بیان
و دمکراسی حمایت می کنیم. ما
همگی، از نهادهای بین المللی می
خواهیم تا با درخواست رعایت حقوق
بشر و امنیت و ایمنی همه دانشجویان،
اساتید و دانشگاهیان ایرانی، از
دانشگاه های ایران حمایت کنند."

اسامی امضاءکنندگان را در ضمیمه این
شماره ببینید.

بیانیه روزنامه نگاران ایرانی

دعوت برای حضور در اجتماع بزرگ بروکسل

ایرانیان! زنان، مردان، دختران و پسران جوانی که به جهان نشان دادید ملت ایران سر فراز، آزاد است و حقوق خود را از راههای مسالمت آمیز و بدون خشونت دنبال می کند.

هموطنان آزاده ما در بروکسل از همه ایرانیان خواسته اند: "در چارچوب خواست ها و شعارهای مردم ایران در میننگ اعتراضی که در برابر شورای اروپا برگزار می شود، شرکت کنید. "

رضا علامه زاده فیلمساز برجسته و جواد طالعی روزنامه نوی سرشناس هم از این حرکت پشتیبانی کرده اند.

ما روزنامه نگاران ایرانی از همه ایرانیان عزیز می خواهیم به این دعوت پاسخ مثبت بدهند. ما ایرانیان جمع می شویم تا صدای خود را بگوش جهانیان برسانیم و اعلام کنیم: دولت ایران حاصل یک کودتای سیاسی است و برای استقرار خود که با پایمال کردن ۳۰ میلیون رای بدست آورده، دست به خشن ترین جنایات زده و تظاهرات آرام ایرانیان را به خون کشیده است.

ما گرد می آیم تا از دولت های جهان بخواهیم از به رسمیت شناختن این دولت غیرقانونی خود داری
کنند.

هوشنگ اسدی- نوشابه امیری- روزبه امیر ابراهیمی - حسین باستانی - شهرام رفیع زاده - عیسی سحر
خیز- مهدی عبدالله زاده - مسیح علی نژاد- نیک آهنگ کوثر- امید معماریان- ابراهیم نبوی - علیرضا
نوری زاده

در این گرد هم آئی این شخصیت های سیاسی، اجتماعی و هنری بلژیکی و ایرانی همبستگی خود را با
مردم ایران اعلام خواهند کرد:

بهرخ بابایی، هنرمند تئاتر و خواننده، آلمان / رضا دقتی، عکاس و دارای جایزه «لژیون دونور» از
رئیس جمهور فرانسه و بنیانگذار دانشکده سینمای زنان در افغانستان، فرانسه / ایزابل دوران نماینده و
معاون پارلمان اروپا و از رهبران حزب سبزهای بلژیک / نسیم خاکسار، نویسنده، هلند / بارتس ستاس،

نماینده پارلمان اروپا - حزب سبز هلندی زبان (گرون)، بلژیک / گروه شنبه زاده، موسیقی فولکلوریک
جنوب ایران (بندری)، فرانسه / رضا علامه زاده، کارگردان سینما، هلند / پرویز قلیچ خانی، کاپیتان

سابق تیم ملی فوتبال ایران و سر دبیر مجله آرش، فرانسه / استفان گالون - مسئول دیپارتمان بین المللی
بزرگترین سندیکای کارگری « اف. ج. ت. ب. »، بلژیک و نسان لورکن، وکیل خانواده های قربانیان

رژیم جمهوری اسلامی ایران در سی سال گذشته، بلژیک / محسن مخملباف، کارگردان سینما، فرانسه
پاتریک موریو نماینده پارلمان و شهردار از حزب سوسیالیست فرانسه زبان، بلژیک / شاهین نجفی،

خواننده معروف رپ، آلمان / آرنو وان پرات، رئیس سازمان سراسری دانشجویان لیبرال، بلژیک
دومینیک ویرتس، از کادر رهبری حزب « ث. د. هاش » (مرکز دموکراتهای اومانیست) بلژیک

برگزارکننده: ایرانیان ساکن بلژیک

نشانی: بروکسل نشانی - میدان شومن-چهار ژوئیه - ساعت ۱۶

Rond-Pont Schuman

1040 BXL

METRO SCHUMAN

برای ارتباط و اطلاعات گرفتن لطفاً با شماره تلفن های زیر تماس بگیرید:

0032/475/716.925 0032/476/551.832

صالح دروند

غزلی برای این روزها

به ندا آقا سلطان

می خواستند از بدنت پر درآورند
از شانه هات بال کیبوتر درآورند
بی شک گلوله ها خودشان دل نداشتند
از سینه های سوخته ات سر درآورند
قمری نمی گریست، نمی شد پرنده را
در سوگ یک پرنده ی دیگر درآورند
باور نمی کنم بتوانند اینچنین
خون از دهان و بینی دختر درآورند
باور نمی کنم بتوانند سیل خون
از چشم این گلایل پرپر درآورند

این روز محشر است که نامردها دمار
از روزگار خواهر و مادر درآورند
شاید فرشته ها به خدا قول داده اند
این لحظه را به شیوه ی محشر درآورند
همواره عاجزند که این اشکواره را
این روزها به حالت دیگر درآورند
امکان ندارد این خس و خاشاک خشم را
از این دو چشم قهوه ای تر درآورند

حامد رحمتی

به خواهرم ندا

به خواهرم ندا...

از شهر خبر دارم

از بیلپوردها

از آدم ها

هر شب

روی پشت بام ،

به ستاره ها

خیره می شود خواهرم،

و با چشم گریان

سومین راهپیمایی عظیم برلین

ایرانیان مقیم برلین اعلام کرده اند سومین راه پیمایی عظیم خود را فردا ۱۴ تیر مصادف با ۵ جولای برگزار خواهند کرد.
بیانیه راه پیمایی که توسط "حمایتگران جنبش همگانی مردم ایران"؟ امضاء شده ، باین شرح است:"ایران عزیز، وطن کماکان در تپی تند می سوزد. دوستان، بستگان و هموطنان ما، شبانه روز زیر فشار های شدید امنیتی و سرکوب های روزافزون همچنان برای آزادی خود تلاش می کنند.
در اینجا وظیفه ی ملی هر کدام از ماست که با توجه به تصمیم شورای نگهبان در تأیید نتیجه انتخابات و بی اعتنایی به رای و صدای اعتراض مردم، صدای هموطنانمان را که کودتاگران با سانسور رسانه ها و خبرگزاری های خارجی و زیر چماق، سعی در خاموش کردن آن دارند به گوش جهانیان برسانیم و از کشور های اروپایی بخواهیم که دولت کودتا را همچنان به رسمیت نشناسند و منافع مالی و سیاسی خود را به دفاع از حقوق بشر و تداوم مخالفت با کشتار و سرکوب دسته جمعی در ایران ترجیح ندهند.
به این مناسبت از مقامات سیاسی آلمان و چهره های ایرانی و آلمانی دعوت شده است که در کنار ما باشند و دیدگاههای خود را برای همگان بیان کنند
سومین راهپیمایی عظیم برلین در روز یکشنبه ۵ جولای ساعت ۱۲ تا ۱۶ از این محل برگزار خواهد شد : Gedächtniskirche تا Nollendorfplatz

احضار ۲۷ سفیر ایران

در اتحادیه اروپا

اقدامات بعدی: ممنوعیت سفر مقامات جمهوری اسلامی به اروپا- کاهش سطح روابط با تهران

27 کشور عضو اتحادیه اروپا ،ادیروز جمعه 12 تیرماه (3 ژوئیه) ، در اعتراض به بازداشت کارمندان سفارت بریتانیا در تهران سفرای ایران در کشور هایشان را احضار کردند.
این تصمیم در پی نشست نمایندگان کشور های عضو اتحادیه اروپا در بروکسل گرفته شد.
یکی از مقامات وابسته به اتحادیه اروپا گفت:" شرکت کنندگان در این نشست موافقت کردند تا اقداماتی تدریجی در قبال ایران داشته باشند. از جمله اقداماتی که احتمالا اتحادیه اروپا علیه ایران اعمال خواهد کرد، خارج کردن سفرايش از ایران و ممنوعیت سفر مقامات ایرانی به کشور های اروپایی است.
وزرای امور خارجه کشور های عضو اتحادیه اروپا، هفته گذشته از ایران خواسته بودند تا نسبت به آزادی کارکنان سفارت بریتانیا در ایران و یک خبرنگار یونانی که در جریان ناآرامی های اخیر در این کشور بازداشت شد، هر چه سریعتر اقدام کند.
پ تصمیم گیری درباره اتخاذ اقدامات شدیدتر علیه ایران موکول به نشست هشت کشور عمده صنعتی موسوم به گروه 8 خواهد بود، که قرار است هفته آینده در ایتالیا برگزار شود.
احمد جنتی، از فرماندهان اصلی کودتای ۲۲ تیر و امام جمعه موقت تهران در خطبه های نماز جمعه دیروز اعلام کرد:" تعدادی از کارمندان ایرانی سفارت بریتانیا در تهران که در روز های گذشته بازداشت شده اند، به اتهام دست داشتن در ناآرامی های اخیر، محاکمه خواهند شد. "
اتحادیه اروپا که " آماده اقدام" بود - بلافاصله سفرای خود را احضار کرد.
هشت کشور عمده صنعتی موسوم به گروه 8 در نشست هفته آینده خود در ایتالیا درباره اتخاذ اقدامات شدیدتر علیه جمهوری اسلامی تصمیم گیری خواهد کرد.

بیانیه آیت اله العظمی یوسف صانعی

اعترافات تلویزیونی ارزش شرعی و قانونی ندارد

موهای عروسکش را

لمس می کند

پدر

با صدای گرفته اش

فریاد می زند

_ دخترم

خدا بزرگ است

اما من

از شهر خبر دارم

از بلیبوردها

از آدم ها

آیت الله العظمی یوسف صانعی اعلام کرد: "پخش اعترافات تلویزیونی آنها از «رسانه های انحصاری»، ارزش شرعی و قانونی ندارد."

آیت الله یوسف صانعی در بیانیه خود آورده است: "طی روز های اخیر «همچنین شاهد پخش اعترافات برخی از زندانیان در رسانه های انحصاری بوده ایم که بر همه واضح است این اعترافات حداقل به علت زندانی بودن متهمین و شرایط خاص آنها از نظر شرعی، قانونی و عقلانی هیچ گونه ارزشی نداشته و ندارد.»

پیشتر سازمان مجاهدین انقلاب و جبهه مشارکت این اعترافات را بی اعتبار خوانده بودند و سازمان عفو بین الملل شیوه گرفتن اعتراف اجباری را رد کرده بود.

آیت الله صانعی با اشاره به «قانونی و شرعی» نبودن این اعترافات گفته است: «لکن نباید اینگونه ظلمها، آزار و اذیت ها، ترفندها، مکرها، دروغها و ... موجب یأس و ناامیدی در راه احقاق حق شرعی و قانونی و حکمیت مردم بر سرنوشتشان گردد؛ چون علاوه از آنکه ناامیدی از رحمت خداوند خود از معاصی و گناهان کبیره است."

آیت الله صانعی در بخش دیگری از بیانیه خود به مواضع میرحسین موسوی و مهدی کروبی در نامشروع دانستن دولت آینده احمدی نژاد اشاره کرده و نوشته است: «کاندیداهای معترض به مسئولین انتخابات و روند و نتیجه آن و نظر شورای نگهبان همانگونه که در نامه» مهدی کروبی و بیانیه میرحسین موسوی آمده است؛ «از نظر سیاسی و قانونی مشروعیت دولت را مورد سوال قرار داده و آنرا نفی می نمایند که نشانگر عدم اقتناع آنان و توده زیادی از مردم از شبهات پیش آمده در انتخابات است که خود بواسطه کاهش پشتوانه و حمایت های مردمی، می تواند موجب ناکارآمدی دولت گردد و ممکن است ادامه اش موجب مشکلات حقوقی و مدنی شود»

آیت الله صانعی ابراز امیدواری کرده است که «راه دفاع از حقوق مردم و حفظ عقاید دینی آنها مخصوصا جوانان و حفظ جمهوری اسلامی همراه با درایت، متانت، آگاهی بخشی و آرامش و امنیت و استفاده از قانون اساسی به معنای واقعی و واقعیت و بهانه ندادن به دست ستمکاران، ادامه یابد که استقامت شرط موفقیت است."

آیت الله صانعی در بخش دیگری خود نیروهای انتظامی را خطاب قرار داده و نوشته است: «به تمام نیروهایی که باید حافظ نظم و جان و مال و ناموس مردم باشند تذکر می دهم که هیچ فرمان و دستوری نمی تواند مجوز و عذری برای تجاوز به حقوق مردم - که حرام و معصیت و ذنب لایغفر است.»

آیت الله صانعی درباره برخورد با معترضان به نتیجه انتخابات گفته است: «در روزهای گذشته همگان شاهد حمله به دانشگاه ها و خوابگاه دانشجویان و ضرب و جرح، قتل و به زندان افکندن عده زیادی از فرزندان این مرز و بوم بوده ایم تا جایی که در آمار رسمی خبر از کشته شدن حدود بیست نفر و زندانی شدن بیش از هزار نفر داده شده است."

پیشتر آیت الله حسینعلی منتظری و آیت الله عبدالکریم موسوی اردبیلی از خشونت ها علیه معترضان به انتخابات شدیداً انتقاد کرده بودند.



Guardian: Arrested, beaten and raped: an Iran protester's tale

گزارش گاردین از شکنجه و آزار جنسی بازداشت شدگان کودتای ۲۲ تیر

اعتراف نکردم

بجای بازجویی تجاوز می کردند

روزنامه گاردین چاپ انگلستان گزارشی تکان دهنده از ضرب و شتم و شکنجه و آزار جنسی بازداشت شدگان اخیر در زندانهای جمهوری اسلامی را منتشر کرده است. متن فارسی این گزارش در وبلاگ خرداد 88 آمده است.

شیراز، سهشنبه، ۹ تیرماه ۸۸:

اسفندیار پورگیو

حدود ده و نیم بود که از پنجره می‌نگاهم. از دور می‌شد تشخیص داد که بازداشت بوده و تازه آزاد شده. تمام صورتش کیبود بود، دندان‌هایش را شکسته بودند و دور چشم‌هایش باد کرده بود به طوری که به سختی می‌توانست بازشان کند. بعد از آزاد شدن مستقیم رفته بود خانه ولی پدرش راهش نداده بود.

گفته بود: «دیگر جای توی این خانه نیست.» نگفته بود که بهش تجاوز کرده‌اند. فقط گفته بود که دو هفته بازداشت بوده. من هم اول متوجه نشدم. به من چیزی نگفت، تا این‌که دکتر

تشخیص داد و خودش هم تأیید کرد. هیچ کس توی خانواده‌اش مدرسه نرفته. مادرش مرده ولی چندتا خواهر و برادر دارد. به او حسودی می‌کنند چون دیپلمش را رفته. آدمی است خیلی معمولی، دوست‌دختر دارد، هجده سالش است و چهارشانه است و قدبلند. قبلاً اهل سیاست هم نبود. موقع انتخابات آمد از من پرسید که به نظر من چه کسی رأی بدهم. به من اعتماد دارد. پدرش طرفدار احمدی‌نژاد است و یک سال است که به او می‌گوید منافق. در یکی از شهرستان‌های اطراف شیراز مغازه دارم. امروز صبح زود از بازداشتگاهی در مرکز شهر آزاد شد.

خودت می‌دانی کجاست. مسافت زیادی را پیاده آمد تا رسید به ستاد، بعد تاکسی گرفت و به

تاکسی گفت که پول ندارد. تاکسی هم او را تا ترمینال آورد. بعد سراغ راننده‌ای رفت که می‌شناخت او هم بی‌آن‌که پولی بگیرد آوردش تا همین شهر ما. روی صندلی افتاد. سوال‌ها را من شروع کردم. آری، بازداشت بوده. اولین چیزی که گفت این بود که جایی را ندارد برود. آیا می‌تواند یکی دو روزی پیش من بماند؟ گفتم اگر می‌تواند یکی دو ساعت صبر کند تا بعد با هم به خانه برویم. موافقت کرد. به یکی از دوستان پزشکی زنگ زد تا بیاید خانه او را ببیند. بعد بردمش خانه. کتف و بازویش پارگی داشت. زخم بود. صورتش هم علاوه بر کوفتگی زخم شده بود. استخوان‌هایش شکسته بود ولی تمام بدنش ضرب دیده بود. می‌خواستم از او عکس بگیرم که نگذاشت. دکتر گفت تنها چهارتا از دندان‌هایش سالم مانده، بقیه‌اش شکسته. نمی‌شد

حرف‌هایش را فهمید. آن‌وقت دکتر توضیح داد چه اتفاقی افتاده. پارگی مقعد داشت و دکتر احتمال خونریزی روده‌ی بزرگ می‌داد. گفت باید به سرعت ببرمش بیمارستان. گفت برایش بدن باقی نگذاشته‌اند، این دیگر آدم بشو نیست. دکترش آدم ترسویی است ولی تمام روزش را صرف او کرد. هرکه بود از دیدن صحنه شوکه می‌شد. در بیمارستان به اسمی دیگر پذیرفتندش.

دفترچه‌ی بیمه‌ی کس دیگری را نشان دادیم. پرستارها گریه می‌کردند، به خصوص دوتایشان که مرتب می‌پرسیدند کدام حیوانی او را به این روز انداخته. چهارساعت بی‌هوش بود،

آرام‌بخش که تزریق کردند به هوش آمد. همراهان سایر مریض‌ها جمع شده بودند ببینند چه بلایی سرش آمده. بعد به هوش آمد. کاملاً در هم شکسته بود. می‌گفت پول‌تان را برای من دور نریزد، وقتی از بیمارستان مرخص بشوم خودم را می‌کشم. بیشتر از همه از این ناراحت بود که نتوانسته در کنکور شرکت کند. دوشنبه دو هفته پیش گرفته بودندش. جمعی از جوان‌های درشت‌اندام سپر انسانی دور تظاهرات‌کنندگان تشکیل داده بودند. او هم یکی از آن‌ها بوده. می‌گفت نتوانسته چندتا از یگان‌های ویژه را بزند. آن‌ها را به درون جمعیت می‌کشید و کتک‌شان

می‌زدند. ولی گوشه‌ای گیرش آورده‌اند و روی سرش ریخته‌اند. مرا تا شب توی ماشین حبس کرده بودند. بعد منتقل کردند به سلول انفرادی. دو روز در سلول انفرادی بودم. مرتباً

بازجویی می‌کردند، کتک‌ها می‌زدند و از سقف آویزان می‌کردند. بعد می‌چرخاندند و با کابل

می‌زدند. می‌گفتند اگر همکاری نکنی جوجه‌کباب‌ات می‌کنیم. "روزی یک وعده غذا می‌دادند و آب گرم برای نوشیدن. سیلی مکرر جزو مجازات‌ها بود. در بازجویی‌ها مرتباً می‌پرسیدند که آیا از خارج دستور گرفته‌ام؟ بعد مرا پیش قاضی بردند که قرار بود حکم نهایی را صادر کند. مرا به دو میلیون و پانصد هزار تومان جریمه محکوم کرد و دوسال زندان تعلیقی و تعزیری.

گویا تمامش ظاهرسازی بود. فکر کردم از بازداشتگاه می‌برند زندان. ولی مرا به جایی فرستادند که اسمش را گذاشته‌اند «اتاق گردن‌کلفت‌ها». چند جوان دیگر هم به سن و سال من آنجا بودند. از یکی از مأمورها پرسیدم که چرا مرا به زندان نفرستاده‌اند. گفت هنوز چند روزی باید مهمانمان باشی. "در حین بازجویی از من خواستند که تعهد بدهم و اعتراف کنم. نکردم.

گفتند «از دوستانات بپرس که با کسانی که همکاری نمی‌کنند چه کار می‌کنیم.» بقیه را هم دوشنبه بیست و پنجم گرفته بودند. نگران بودم که نکند مردم از خیابان‌ها رفته باشند و تظاهرات ساکت شده باشد. با همسلولی‌هایم مشورت کردم چه کار کنم. هیچ‌کس نظری نداشت. وسوسه شدم اعتراف کنم ولی نکردم. از روز سوم دوباره شروع کردند به کتک زدن. روز بعد، دوباره

بازجویی کردند و ریختند روی سرم. اصرار داشتند که از خارج دستور می‌گرفته‌ام. من هم می‌گفتم که صرفاً به رأیم اعتراض داشته‌ام. شنبه یا یکشنبه (روز پنجم یا ششم) بود که برای

اولین بار به من تجاوز کردند. سه چهار مأمور درشت‌هیکل که قبلاً ندیده بودیم وارد شدند. گفتند «ما با گردن‌کلفت‌ها جور دیگری رفتار می‌کنیم.» بعد سروقت من آمدند و شروع کردند به پاره کردن لباس‌هایم. فهمیدم چه قصدی دارند و سعی کردم از خودم دفاع کنم. دوتفرشان مرا روی زمین خواباندند و نفر سوم کارش را کرد. آن‌هم در مقابل سایر بازداشت‌شدگان. آن‌ها هم

کاری از دست‌شان بر نمی‌آمد. نمی‌توانستم ببینم‌شان اما شنیدم که تحرکی کردند و کتک‌شان زدند. چهار پنج دقیقه بیشتر طول نکشید. به همسلولی‌هایم گفتند «ببینید ما با گردن‌کلفت‌ها چه کار می‌کنیم.» بعد رفتند. "همسلولی‌هایم به خصوص یکی‌شان که سن‌اش بیشتر بود مرا دل‌داری می‌دادند. می‌گفتند کسی با این کار شخصیت‌اش خرد نمی‌شود. می‌گفتند باید پیه‌اش را به تن‌ات

می‌مالیدی. " هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم واقعاً چنین کاری بکنند. شنیدن‌اش خیلی فرق دارد با این‌که ببینی دارد چه به سرت می‌آید. به‌خصوص من که همیشه خودم را قوی می‌دانستم. در

روزهای بعد این کار را با دو همسلولی دیگر هم کردند. بعدش دیگر روال عادی شد و هر روز این کار را می‌کردند. مردی که بار اول این کار را با من کرده بود یکبار گفت «من باز هوس

این خوشگل را کرده‌ام» ولی دیگران به او یادآوری کردند که «نه، به نوبت.» آن‌قدر ضعیف شده بودیم و کتک خورده بودیم که کاری از دستمان برنمی‌آمد. اولین بار که این کار را با کسی دیگر کردند سعی کردم واکنشی نشان بدهم ولی چنان کتکم زدند که باقی‌اش را یادم نمی‌آید. آن‌گاه دوباره منتقم کردند به سلول انفرادی. بازجویی‌ها دوباره شروع شد. در سه روز قبل بازجویی در کار نبود، فقط کتک می‌زدند. می‌گفتند «حالا آدم شدی؟ فهمیدی ما با گردن‌کلفت‌ها چه کار می‌کنیم؟ اگر آدم نشوی می‌فرستیم‌ات عادل آباد بند بچه‌بازها که هرروزت همی باشد.» آن‌قدر ضعیف شده بودم که نمی‌دانستم چه جوابی بدهم. آن‌وقت گفتند باید رابط‌هایت را افضاء کنی. گفتم رابطی ندارم و خیر تظاهرات را از روی اینترنت گرفته‌ام و به نظرم کار درستی آمده و شرکت کرده‌ام. آن روز شلواری به من دادند چون شلوار خودم دیگر قابل‌استفاده نبود. همین رویه ادامه داشت تا امروز صبح که آزد شدم. بعضی وقت‌ها دوبار در روز این کار را می‌کردند. سه‌شنبه حتا یادم نمی‌آید که چه کار کردند. "اما این را می‌دانم که از کارشان لذت می‌بردند و قصدشان فقط شکنجه‌ی من نبود. احتمالاً به همین دلیل هم مرا از دیگران جدا کردند. از من خوش‌شان آمده بود. به غیر از یکی‌شان، بقیه‌شان درشت‌هیکل بودند. در هفته‌ی آخر، دیگر بازجویی و کتک زدن در کار نبود. فقط تجاوز می‌کردند و سلول انفرادی.. " این چیزهایی است که او تعریف کرده. ولی نه به این صورت. باید جاهای خالی‌اش را با حدس و گمان پر می‌کردم و از او می‌پرسیدم تا تأیید کند. رنج جسمی و روانی فراوانی برد تا این‌ها را تعریف کند و در میانش می‌زد زیر گریه. از او خواستم که این کار را بکند شاید سودی به حال کسانی داشته باشد که به وضعیت مشابهی دچارند.

روزنامه سبز

ضمیمه شماره ۶

برنامه هفته

دوشنبه ۱۵ - سه شنبه ۱۶ - چهارشنبه ۱۷

تیر ماه ۱۳۸۸

به فرمان رئیس جمهور میرحسین موسوی

اعتکاف میکنیم

اعتکاف = اعتصاب

تا ابطال انتخابات قلبی نهضت ادامه دارد

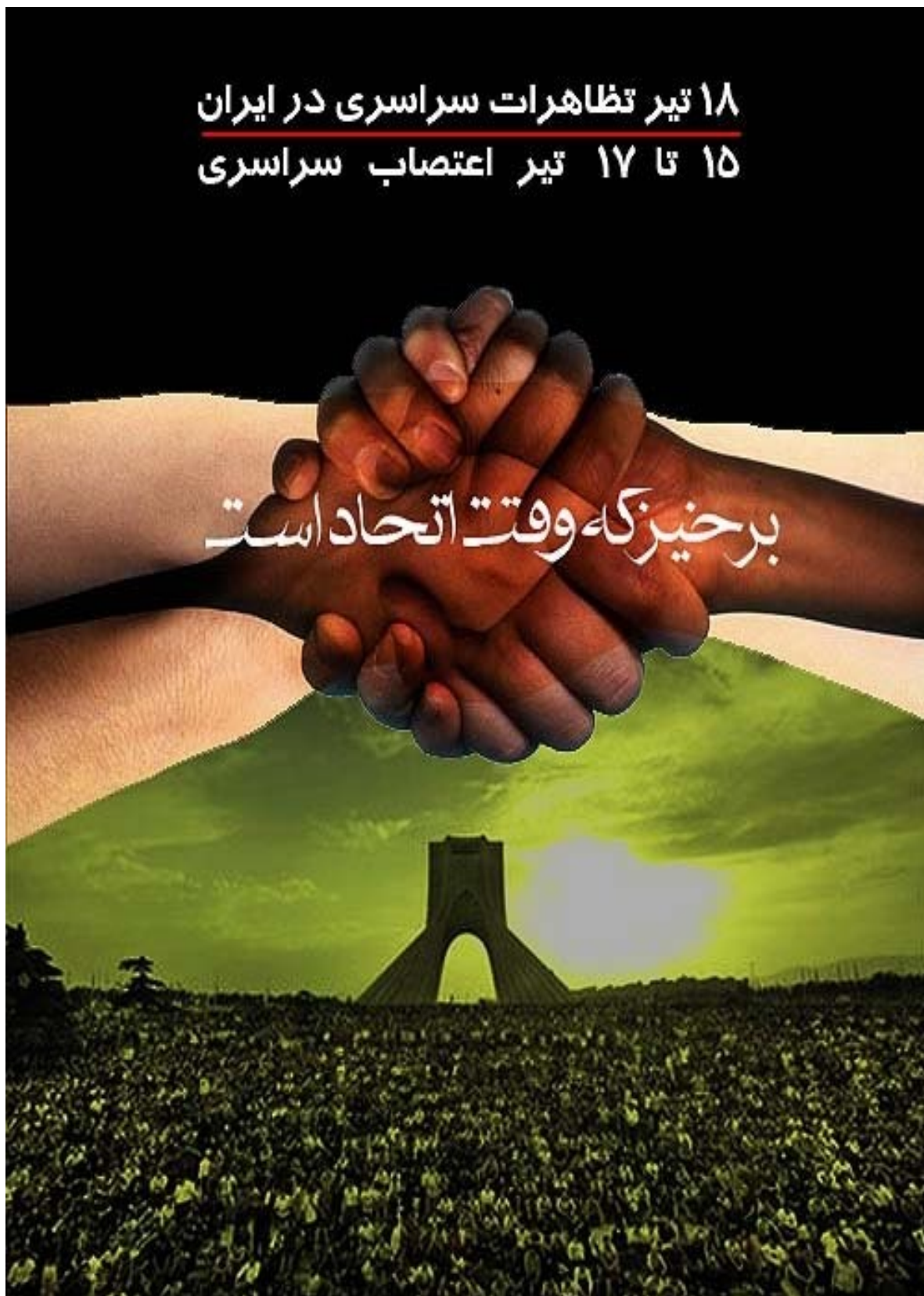
جنبش سبز مردمی

برنامه عمومی

تدارک راه پیمائی سراسری ۱۸ تیر

۱۸ تیر تظاهرات سراسری در ایران
۱۵ تا ۱۷ تیر اعتصاب سراسری

برخیز که وقت اتحاد است



نامه سرگشاده مهندس عبدالعلي بازرگان به خلیفه علی خامنه ای

خامنه ای : عامل اصلی کشتار و شکنجه

هو‌العلی‌ الکبیر

جناب آقای سید علی خامنه ای، نماینده با چه زبان و از کدامین ظلم و جنایتی با شما سخن بگویم که مشفقان و دلسوختگان ملت نگفته باشند؟ در نظام متمرکز و مطلقه ای که همه راهها منتهی به رأی و تصمیم شخصی شما گشته، نامه‌های ناصحانه متعددی در ارتباط با تقلب انتخاباتی و سرکوب خونین معترضین به جنابعالی نوشته شده که هیچکدام هم پاسخی دریافت نکرده‌اند. بنده نیز امیدی ندارم این نوشته از کانال‌های کنترل شده ارتباطی بیت بگذرد و به رویت شما برسد، با این حال بنا به وظیفه ملی و دینی خود نکاتی را یادآور می‌شوم. در نظام ولایت مطلقه فقیه، شما و تئوریسین‌های این تز مدعی هستید مشروعیت خود را نه از آراء اکثریت مردم، بلکه از پیوند به ولایت اهل بیت مطهر پیامبر مکرّم اسلام می‌گیرید. سرسلسله ولایت و عرفان در مکتب تشیع امیرالمؤمنین علی(ع) است که دیدگاه سیاسی خود و معیارهای مطلوب حکومتی را در "عهدنامه‌ای" که به "منشور حکومت اسلامی" شهرت یافته، تدوین کرده است. عهدنامه‌ای که برای اداره سرزمین بزرگ مصر به "مالک اشتر" سپرده تا در ماموریت خطیر خود به عدالت رفتار کند. بنابراین بر آن شدم عملکرد شما در وقایع خونبار اخیر را در عرضه به این منشور، که تبلور عصاره تجربیات حکومتی نخستین امام مکتب تشیع است، مورد ارزیابی و مقایسه قرار دهم. گرچه این نکات را بهتر از من می‌دانید، اما خواستم به مصداق: "فَنُكْرِفَانِ الْكُفْرِي تَتَفَعُّ الْمُؤْمِنِينَ"، هرچند خوشایند شما و چاپلوسان نباشد، هم یادآوری کرده باشم، و هم به کسانی که ولایت شما را از منخ همان ولایت می‌دانند تفاوت زمین تا آسمان را به توفیق حق نشان دهم. الف – بدبینی ملت به رهبری جناب آقای خامنه‌ای، میلیون‌ها ایرانی آزاده، به حق یا باطل، شما را در حوادث اخیر به خاطر حمایت بی دریغتان از رئیس جمهور و تقلب آشکار انتخاباتی همکاران او، عامل اصلی تشنجات و کشتارها می‌دانند و سیاست‌های یک طرفه و استبدادی شما را محکوم و عدالت و صلاحیت رهبریتان را انکار می‌کنند. جنابعالی مسلماً چنین قضاوتی را بر نمی‌تابید، اما مدعی پیروی از کسی هستید که (در همان عهدنامه) فرمود:

اگر ملت بر تو گمان ستمگری بزند (حکم ترا ظالمانه بشمارد)، عذر خویش را با شفافیت تمام برای آنها بیان کن و بنگمائی مردم را با دلایل روشن از خود دور ساز. مسلماً در این (تمکین به حقوق و حاکمیت مردم) ریاضتی است که باید بر خود دهی، و رفاقتی است با مردم، و رسیدنی است به آرمانت که باید برپاداشتن مردم در راه حق باشد (بند ۱۳۰ عهدنامه).

اما شما جز تأیید شتابزده صحت انتخابات پیش از زمان قانونی آن و مردود شمردن ادعای مخالفین بر تقلب درامانت. آراء، نه تنها هیچ دلیل و منطقی جز پافشاری بر درستی و "شیرینی"! آن ارانه ندانید، بلکه نیروهای سرکوب تحت فرمانتان را از "تلخی" عواقب کشتار منع نکردید. در حالی که باید به جای تهدید و توبیخ، با عدالت و انصاف و عذرخواهی از ملت، آنها را آموزش و رشد می‌دادید. با وجود بسته شدن خبرگزاری‌ها و همه امکانات و ابزار رسانه‌ای. قایل کنترل، برای بی خبر نگه داشتن توده‌های مردم از سرکوب سازمان یافته حاکمیت، به نظر نمی‌رسد برای شما محدودیتی برای آگاهی از عوارض این قلع و قمع باشد. آیا هرگز گزارش و عکس از شهدا و مجروحین وقایع اخیر را به سمع و نظر شما رسانده اند؟ آیا می‌دانید نزد خدا و خلقتش، به عنوان تصمیم گیرنده اصلی و مسئول مستقیم آنها پاسخگویی در دنیا و آخرت هستید؟ از دو حال خارج نیست؛ یا می‌دانید، یا نمی‌دانید. این سؤال را رهبر سلف شما در آستانه انقلاب از شاه کرد. آیا به یاد نمی‌آوردید!؟

اختلاف میان مقام رهبری و ملت، امری بسیار طبیعی و عادی در سایر کشورهاست، در نظام ولایت فقیه، همواره این مردم هستند که صغیر و مهجور و محتاج سرپرستی هستند و حق همیشه با رهبری است و نظر او "فصل الخطاب" و "حکم حکومتی" است حذف کننده هر حرکت فکری است. اما در همان "عهدنامه"، در تنازع احتمالی رهبر با ملت (مشابه چنین حوادثی)، تصریح شده است طرفین موظفند به کتاب و سنت (قانون) مراجعه نمایند و رهبری هیچ حق ویژه ای بر دیگران ندارد (بند‌های ۶۳ تا ۶۵).

جناب آقای خامنه‌ای، اینک متأسفانه میان شما و بخش عظیمی از ملت اختلاف و فاصله‌های عمیق افتاده است که در صورت لجاجت و بی‌اعتنایی به حقوق مردم، می‌رود خدای ناکرده به جنگی داخلی و برادرکشی منتهی شود آثار چنین فتنه‌ای که تا ابد بر پیشانی عاملان آن باقی می‌ماند، نام نیکوئی از شما باقی نمی‌گذارد. توجه تان را به تصویر زشتی از این اوضاع در فرازی دیگر از عهدنامه جلب می‌کنم:

اگر ملت بر رهبری چیره گردد (نظام مدیریت گسسته شود) یا رهبری به ملت ستم کند، در این هنگام اختلاف کلمه پدید می‌آید و نشانه‌های زورگویی قدرت آشکار می‌گردد، فریب کاری‌های دینی زیاد می‌شود، عمل به سنت‌های نیکو متروک

می ماند، هر کس به دلخواه عمل میکند، احکام معطل می‌ماند، دردها و بیماری‌های (جسمی و روحی) مردم افزون می‌شود، هیچ کس از پایمال شدن حق بزرگ و رواج امور باطل بی‌می‌ماند (بی‌تفاوتی مردم). در این هنگام نیکان به‌خواری و بنکاران به عزت می‌رسند(خطبه ۱۶۰).

ب- انتقاد به رهبری

جناب آقای خامنه‌ای، علی(ع) که شما سالی را به یاد او نامگذاری کردید، در همان آغاز خلافت، صریحاً مردم را به حق‌گویی (انتقاد) از خود و نظردهی (مشورت) دعوت و تأکید کرد: "من بالاتر از این نیستم که اشتباه نکنم، مگر آنکه خدا کفایت کند" (خطبه ۲۱۶) و در متن عهدنامه معروف خود به مالک هشدار داد: باید نزدیکترین وزیرانت از نظر قرب مقام کسی باشد که بیشترین حرف تلخ حق را به تو می‌زند و آنگاه که عملی از تو سر می‌زند که خدا از او لاینت ناخوش دارد، کمترین یاری را به تو می‌رساند، ... همکاریت را به جد بیاموز تا تو را ستایش و بی‌جهت تجلیل نکنند. (بند ۲۳) شما اگر در حوادث اخیر به جای دستگیری گسترده رهبران گروه‌های سیاسی و صاحب نظران دلسوزملک و ملت، از بیم واهی بهره برداری از نیروی خشم ملت، و اعتمادتان به تحلیل‌های اطرافیان، طبق فراز زیر با آنان گفتگو و رایزنی می‌کردید، آیا به صلاح خدوتان و ملک و ملت مظلوم نبود؟ تا آنجا که می‌توانی با دانیان و حکیمان (کارشناسان) در تثبیت آنچه امور کشور را به اصلاح و مردم را به پا می‌داری مذاکره کن. (بند ۴۰) رهبران فکری و سیاسی مردم که جای خود دارد، شما طبق این عهدنامه وظیفه دارید بخشی از اوقات هفته را به شنیدن نظریات کسانی که به شما انتقاد دارند، اختصاص دهید: باید قسمتی از اوقات خویش را به کسانی که مطالباتی از خودت دارند اختصاص دهی و در مجلسی عمومی که نهایت تواضع را به خاطر خدا انجام می‌دهی، بدون حضور نیروهای نظامی، حراستی (امنیتی) و پلیس، شخصاً حضور یابی تا گویندگان (شاکیان) بدون لکنت زبان با تو سخن بگویند، که من از رسول خدا، نه بیکار، که به کرات شنیدم که می‌فرمود: هرگز نظامی را که حق ضعیف بدون لکنت زبان از قوی ستانده نمی‌شود، نمی‌توان نظام مقدس (پاک و میرای از عیب) شمرد... (بندهای ۱۰۹ تا ۱۱۱) جناب آقای خامنه‌ای، هواداران شما با کدام معیار، حکومتی را که مطالبه امانت در آراء انتخابات را با ضرب و شتم و ابزار قتاله پاسخ می‌دهند، نظام مقدس می‌شمارند؟ شما وقتی کارهای بزرگ را به اشخاص کوچک می‌سپارید، برای حفظ موقعیت خود از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کنند. به راستی منطق شما در حمایت مستمر از آقای احمدی نژاد، که مملکت را با عملکردش در آستانه نابودی قرار داده، جز نزدیکی به افکار خدوتان، آنچنان که در نماز جمعه گفتید، چیست؟ نمازی که فرصت استثنائی خدائی بود تا جامعه را با قبول تقلب و قضاوت منصفانه خدوتان به آرامش بیاورید. اما در "عهد نامه علی" آنگاه که ضوابط گزینش کارگزاران را: داشتن تجربه، حیا، خانواده صالح، سابقه در اسلام پیشگام (نه متحجر)، اخلاق کریمانه، بی طمع مالی، عاقبت اندیشی و ... تبیین میکند به گونه دیگری توصیه شده است: کارگزارانت را پس از آزمایش به کار بگمار، نه با تمایل شخصی و رأی فردی. که این شیوه ظلم است و خیانت (به ملت). (بند ۷۲)

ج- سرکوب مخالفین

کشتارهای فجیعی که در برخورد با دانشجویان و یا در تظاهرات مسالمت آمیز خیابانی در حوادث اخیر توسط نیروهای تحت فرمان مستقیم و غیر مستقیم شما رخ داده است، تماماً حکایت از عزم راسخ آن مقام در قلع و قمع مخالفین می‌کند که جز تجدید انتخابات مهندسی شده درخواست دیگری ندارند. گویا فدا شدن هزاران نفر برای به کرسی نشاندن تصمیم رهبری و نادیده گرفتن میلیونها درخواست منطقی اهمیت در نظام ولایتی شما ندارد؟! اگر از خاطر نبرده باشی، ۵۶ سال قبل در بیدگاه نظامی شاه، وقتی مرحوم طالقانی و سایر سران نهضت آزادی محاکمه می‌شدند، مهندس بازرگان پس از دریافت محکومیت ده ساله خود خطاب به تیمسار "قره باقی" رئیس دادگاه گفت: ما آخرین گروهی هستیم که با زبان قانون وبه شیوه مسالمت آمیز با شما سخن می‌گوئیم. با محکوم کردن ما ملت خاموش نمی‌شود بلکه با زبان دیگری با شما سخن خواهد گفت. ده سال بعد حرکتهای چریکی در جنگل‌های "سياهکل" و عملیات مسلحانه شهری جایگزین مبارزات مسالمت آمیز پارلمانی شده بود. تشکیلات شما استثنا نیست و قوانین الهی شیخ و شاه نمی‌شناسد. شما این سخت‌سری و قاطعیت را به نفع نظام ولایتی می‌دانید، اما در فراز دیگری از منشور حکومتی علی (ع) نظر دیگری عنوان شده است: ترا هشدار میدهم در باره خونها (جان مردم) و خون ریزی به ناحق. زیرا هیچ عاملی بیش از کشتار به ناحق موجب بروز نابسامانی‌های اجتماعی (نقمت) و بی‌آمدهای تخریبی عظیم و زوال و بریده شدن مدت (حکومت) نمی‌گردد.... مبدا پایه‌های سلطنت خویش با ریختن خون حرام تقویت کنی که چنین شیوه‌ای نه تنها موجب تضعیف و سستی ارکان حکومت، بلکه زوال و انتقال آن (به نظامی دیگر) می‌شود. (بند ۱۴۱)

جناب آقای خامنه‌ای، شما که اجازه نمی‌دهید خبرنگاران داخلی و خارجی از صحنه‌هایی که هواداران آنان آفریده‌اند، فیلم و گزارشی تهیه کنند، آیا مستقل از فضا و فیلتری که پیرامونتان ایجاد کرده‌اند هرگز فرصت کرده‌اید نیم نگاهی به عکس‌ها و فیلم‌هایی که جوانان جسور با موبایل‌های خود از جنایات‌های مأموران آنان گرفته‌اند ببیند؟ آیا حمله نیروهای سرکوبگر در لباس شخصی را که همچون گرگ به جان جوانان برومند وطن افتادند دیده‌اید؟ مگر امام علی(ع) در همان عهدنامه هشدار نداده بود: مبدا، همچون درندگان به جان مردم افتاده و خورد نشان را غنیمت بشمار. آنها از دو حال خارج نیستند؛ یا برادر دینی تواند و یا ممنوع تو (بند ۹ و ۱۰). البته شما در نماز جمعه با فراکنی زیرکانه‌ای مسئولیت این جنایات را به گردن "تروریست های نفوذی" انداختید که در پوشش تظاهرات خیابانی ضربات تروریستی خود را وارد می‌کنند. عجبا، چگونه است که تروریست ها اهداف خود را همواره از میان دانشجویان معترض دانشگاهها و در میان مردم عادی انتخاب می‌کنند؟! گفتید: "اینکه بروند دانشگاه و جوان دانشجوی مؤمن و حزب الهی را آتیم با شعار رهبری مورد تهاجم قرار دهند دل انسان را واقعا خون می‌کند"!

اگر چنین احساسی صادقانه است، چرا برای بیکار هم که شده دستور نمی‌فرمائید نیروهای انتظامی شما با نیروهای رسمی با لباس شخصی برخورد و آنها را دستگیر کنند؟ امام علی به مالک اشتر، با آنکه مطمئن ترین یاور او بود، در دفاع از حقوق مردم تازه مسلمان مصر و برهیز او از اتخاذ شیوه‌های خشن در برخورد با مردم فرمود: اگر به خطا کسی را کشتی یا تازیهات، یا شمشیرت، یا دستت در عفویت از حد گذرانید، یا مشت و بالاتر از آن، به ناخواسته مرتکب قتلی شدی، نباید گردن کنی و غرور قدرت تو مانع آید که خون بهایی مقتول را به خانواده اش بپردازی. جناب آقای خامنه‌ای، در نظام ولایتی شما خونبها که پیش کش! جنازه جوانان را هم به خانواده‌هاشان به راحتی تحویل نمی‌دهند تا بر آنان عزاداری کنند؟! این است رأفت و عطوفت اسلامی ادعائی شما! شما با تحریک عواطف مذهبی نمازگزاران، بخش عظیمی از ملت را فریب خوردگان یا وابستگان به بیگانه شمرده و مرتکب ظلم عظیمی می‌شوید. شما ناله و نفرین مادران داغدار و فرزندان شکنجه شده آنان را نمی‌شنوید اما در نظام خداوند. سمیع و علیم ناله والدین "ندا"های مقتول بدون جواب نمی‌ماند. (بند ۱۹) هیچ عاملی برای تغییر نعمت‌ها (راحت و رفاه و امنیت و آزادی) در جامعه و شتاب گرفتن نعمت‌ها (نومیدی، اعتیاد، فساد، فحشاء و ...) مؤثرتر از قدرت گرفتن یک حکومت بر پایه ظلم نیست. زیرا خداوند شنوای دعای شکنجه دیدگان و در کمین ستمگران است.

د- شخصیت پرستی مشرکانه

جناب آقای خامنه‌ای، ملت ما در انقلاب سال ۵۷ از طاغوت زمان که نماد طغیان استبدادی یک فرد بود، نجات یافت و به حاکمیت ملی رسید. اینک پس از ۳۱ سال، گرچه ظواهر و عناوین عوض شده، اما همچنان در بر همان پاشنه می‌گردد و اکثریت ملت در نظام ولایت مطلقه و شورای نگهبان و سایر نهادهای وابسته، از حاکمیت خود محرومند. شیوه‌های شخص پرستی و بت سازی مشرکانه از مقامات و تملق و چاپلوسی، سکه رایج زمانه است و بر خلاف امام علی که در طرد و دفع ملت‌مقلین فرصت‌طلب از هیچ فرصتی دریغ نمی‌کرد، متأسفانه دیده نمی‌شود مقام رهبری ابراز برائتی از چنین چاپلوسانی کرده باشند. گویا این فراز زیر از عهدنامه به کلی فراموش شده است:

هرگاه از اقتدار خویش احساس ابهت و اوج خیال (در آسمان جاه و مقام) کردی، نگاهی به عظمت ملک خداوند بر بالای سرت بیفتن و قدرت او را بر خویش، که فاقد آنی، در نظر بگیر. با چنین به خود نگر بیستی سرکشی تو تسکین می‌یابد، تند و تیزی تو فرو می‌کاهد و عقل و خردی که از توگریخته باز می‌گردد (بند ۱۴).

ر - عدالت پروری

انتظار ملت از شما چیزی جز انصاف و عدالت و تریح حقوق ملت بر تمایلات خدوتان نیست، شادمانی شما نیز، آنچنان که در عهدنامه آمده است، نباید جز اجرای عدالت و جلب رفاه و رضایت مردم باشد. این سخن امامی است که یکسره از ولایت او داد سخن می‌دهید: بهترین مایه شادمانی رهبران باید بها داشتن عدالت در شهرها و پدیدار شدن دوستی (طرفداری) ملت باشد و چنین دوستی حاصل نمی‌شود، مگر با خوش بینی‌شان و این نیز حاصل نمی‌شود جز با گردآمدنشان

پیرامون مسئولین امور و سنگین نشمردن بار دولت آنها بردوش خود و ترك آرزوي سر آمدن دوران زمامداري شان (بند ۵۸). جناب آقاي خامنه‌اي، پايان بخش نامه خود را مقدمه عهدنامه امام علي قرار مي‌دهم، مقدمه‌اي که به هنگام اعزام مالک اشتر به سرزمين فراعنه، نوشته شده است:

اي ملڪ، بدان كه تو را به سرزميني فرستاده‌ام كه پيش از تو دولت‌ها ديده، برخي دانگر و برخي ستمگر. و مردم در كارهاي تو به همان چشمي مي‌نگرند كه تو در كار رهبران پيش از خود مي‌نگري و درباره تو همان مي‌گويند كه درباره آنان مي‌گوئي و نيكوكاران را از آنچه خدا بر زبان مردم جاري مي‌سازد توان شناخت. ميهن عزيز ما پيش از ۲۵ قرن است در سلطه سلسله سلاطيني، عموماً ستمكار زيسته است، زمان زيادي نداشتي تا قضاوت بندگان خدارا عوض كنيد. آريامهر!! آنگاه صدای انقلاب مردم را شنيد كه فریاد "مرگ بر شاه" همه فضاي شهر را پر کرده بود. به نصيحت اميرمؤمنان گوش دل بسياريد كه فرمود: كفايت كار مردم به عهده تو قرار گرفته و خداوند ترا در رفتار با ملت امتحان مي‌كند. پس خود را در جنگ با خدا قرار مده كه قدرتي در برابر انتقام او نداري و نيز بي‌نياز از عفو و رحمتش نيسي (بند ۱۱). ... و ماريدان اخالفكم الي ما انهيكم عنه ان اريد الاصلاح ماستطعت و ماتوفيقى الالباب عليه توكلت و اليه انيب (هود ۸۸).

امضای ۷۸ استاد معتبر دانشگاه های بزرگ جهان از تلاش دانشگاهیان ایران برای رسیدن به عدالت، برابری، آزادی بیان و دموکراسی .

1. Prof. Ali Gorji, Munster University, Germany
2. Prof. George G. Somjen, Duke University, Durham, USA
3. Prof. Jaideep Kapur, University of Virginia, USA
4. Prof. Martin Lauritzen, Copenhagen University, Denmark
5. Prof. Mohsen Mohadjer, Freiburg University, Germany
6. Prof. Jens Dreier, Berlin University, Germany
7. Prof. Jerome Engel, Jr., David Geffin School of Medicine at UCLA, Los Angeles, USA
8. Prof. Ingrid Tuxhorn, Cleveland University, USA
9. Dr. Gabriel Moddel, Munster University, Germany
10. Prof. Rubem C. A. Guedes, Univ. Federal de Pernambuco, Brazil
11. Dr Thomas Seidenbecher, Munster University, Germany
12. Prof. Michael Madeja, Frankfurt Hertie Foundation, Germany
13. Dr Johannes Wölfer, Munster University, Germany
14. Professor David N. Rahni, New York Pace University, USA
15. PD. Dr. Christian Stock, Munster University, Germany
16. Prof. Nader Sohrabi, Columbia University, USA
17. Dr. Rodrigo Iturriaga, Universidad Catolica de Chile Santiago, Chile
18. Dr. Jed Hartings, University of Cincinnati, USA
19. Dr. F. Simyar, Dean, College of Business, Chicago State University, USA
20. Prof. Dr. Michael Mueller, Goettingen University, Germany
21. Prof. Thomas-Nicolas Lehmann, HELIOS Klinikum Bad Saarow, Berlin, Germany
22. Dr. Markus Dahlem, Technical University Berlin, Germany
23. Prof. Abolghasem Sepehrnia, Münster, Germany
24. Prof. Reza Soleymani, Concordia University, Canada
25. Prof. Alexandra Hrycak, Reed College, Portland, Oregon, USA
26. Dr. Yahya Aghakhani, Winnipeg, MB, Canada
27. Prof. Erwin-Josef Speckmann, Münster, Germany
28. Dr. Behzad Mansouri, MCGill University, Montreal, Canada
29. Prof. Thomas Budde, Münster University, Germany
30. Prof. Dr. Eberhard A. Deisenhammer, Medical University Innsbruck, Austria
31. Prof. Heidrun Straub, Münster University, Germany
32. Ass. Professor Dr. Hossein Kashani, Uddevalla Specialistkliniken för ÖNH/käkkirurgi, Trollhättan, Sweden
33. Dr. Ullrich Wruck, Helios-Klinikum Bad Saarow, Berlin, Germany

34. Ass. Prof. Tobias Loddenkemper, Harvard Medical University, Boston, USA
35. Prof. Dr. Diethelm W. Richter, Goettingen University, Germany
36. Prof. Dr. Detlev Schild, Goettingen University, Germany
37. Dr. Cenk Ayata, Harvard Medical University, USA
38. Prof. Tavakoli, Freiburg University, Germany
39. Dr. Assad Yavari, Grevenbroich , Germany
40. Prof. Gabriele Flugge, German Primate Center, Göttingen Universität, Germany
41. PD Dr Swen Hülsmann, Goettingen University, Germany
42. Dr. Mary E. Gilbert, US Environmental Protection Agency, Durham, USA
43. Prof. Hans Wassmann, Munster University, Germany
44. Prof. Pier Cosimo Magherini, Univ.of Modena & R.Emilia, Modena, Italy
45. Dr. Anja Urbach, Friedrich Schiller University, Jena, Germany
46. Prof. Reza Shadmehr, Johns Hopkins University School of Medicine
Baltimore, USA
47. Dr. Stéphanie Graebenitz, Muenster University, Germany
48. Prof. Leopoldo Bon, University of Modena and Reggio Emilia, Italy
49. Dr. Jörg Lesting, Münster University, Germany
50. Dr. Christian Schmeer, Friedrich-Schiller University, Jena, Germany
51. Dr. Johannes Brockhaus, Münster University, Germany
52. Dr. Rajeevan, T. Narayanan, Munster University, Germany
53. Dr. Alexander Wolff, TU Eindhoven, The Netherlands
54. Dr. Hector Romo-Parra, Muenster University, Germany
55. Dr Frédéric CHAUVEAU, Munster University, Germany
56. Prof. Dr. Reza Asghari, Fachhochschule Braunschweig/Wolfenbüttel Brunswick European Law School,
Wolfenbüttel, Germany
57. Dr. Jaroslav Turanek, Veterinary Research Institute, Brno, Czech Republic
58. Prof. Dr. Volker Gerke , University of Muenster, Germany
59. Prof. Erez Raz, Munster University, Germany
60. Prof. Dr. med. Christoph Redecker, Universitätsklinikum Jena, Germany
61. Dr. Marc van Kreveld, Utrecht University, The Netherlands
62. Prof. Dr. Alexander Schmidt, Muenster University, Germany
63. Prof. Dr. Dr. Dr. h. c. Ulrich Joos, University Münster, Germany
64. Egill Rostrup, MSc. DMSC, Chief Physician, Glostrup University Hospital, Copenhagen, Denmark
65. Dr. Regine Schuon-Joos, IMC Münster, Germany
66. Prof. Said Arjomand, University of New York Stony Brook, USA
67. Dr. Ute Wegmann, University Münster, Germany
68. Prof. Dr. Karl Zilles, Duesseldorf University, Germany
69. Dr. Stjepana Kovac, Institute of Neurology, Queen Square, London, England
70. Dr. Christian Dohmen, Cologne University, Germany
71. Emeritus Prof. Anthony Strong, London, England
72. Dr. Kamil Uludag, Tuebingen University, Germany
73. Dr. Christian Albertus, Værløse, Denmark
74. Prof. Dr. Franz Pera, Münster University, Germany
75. Prof. Nasrin Rahimieh University of California, Irvine, USA
76. Prof. Bettina Speckmann, TU Eindhoven, The Netherlands

77. Prof. Dr. Peter Martus, Charité University Medicine, Berlin, Germany

78. PD Dr. Christoph Greiner, MVZ Marienhospital Osnabrück, Germany